

Legal Analysis of the Timing of Foreign Currency Debt Conversion in Bankruptcy: A Review of Supreme Court Decision No. 861



**MohammadMahdi
Tavakoli**

Ph.D. in Private Law, Faculty of Law and Political
Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
Email: lawyer.tavakoli@gmail.com



Mohammad Hashemi

LL.B. Student, Faculty of Islamic Studies and Law,
Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
Email: m.hashemi.econlaw@gmail.com



Abstract

Binding Precedent No. 861 rendered by the general board of the Supreme Court regarding the basis for converting foreign currency claims of bankrupt creditors is considered one of the most important steps towards creating a unified judicial precedent in the Iranian bankruptcy system. This decision determines the rial equivalent of foreign currency claims based on the daily rate announced by the Central Bank at the time of verification of the claims, in order to preserve the real value of creditors against currency fluctuations. However, an analysis of the content of the judgment shows that considering the exchange rate at the time of verification of claims as criterion can be inconsistent with the fundamental principle of equality of creditors in the liquidation process. In situations where the value

Journal of Critical Analysis of
Judicial Decisions

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 4 | No. 7 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

www.Analysis.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/analysis.2025.728584

of the Rial currency rises and falls, the share of Rial and foreign currency creditors in relation to the bankrupt's existing assets changes disproportionately, and as a result the relative justice of asset distribution is disrupted. This article, while first explaining the mechanism for recognizing and verifying claims and the role of the liquidation department or liquidator as the representative of the bankrupt businessman, examines the grounds for rendering this decision. Then, the content of the binding precedent is evaluated. Finally, the decision in question is critically examined and it is suggested that, in order to maintain justice and equality among creditors, the date on which the bankrupt was unable to pay his debts be used as the criterion for converting foreign currency claims. This approach is both consistent with the foundation of liquidation and may also pave the way for a fairer implementation of the bankruptcy process.

Keywords: Commercial Law, Bankruptcy, Principle of Equality of Creditors, Foreign Currency Claims, Supreme Court, Binding Precedent, Critique of a Judgment.



تحلیل حقوقی زمان تسعیر دیون ارزی در ورشکستگی: نگاهی به رأی وحدت رویه ۸۶۱ دیوان عالی کشور

دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه
تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
lawyer.tavakoli@gmail.com

محمد مهدی توکلی ID

دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران،
ایران
m.hashemi.econlaw@gmail.com

محمد هاشمی ID



دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۴ | شماره ۷ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.Analysis.Illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/analysis.2025.728584

چکیده

رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص مبنای تسعیر مطالبات ارزی بستان کاران ورشکسته، یکی از مهم‌ترین گامها در جهت ایجاد وحدت رویه قضایی در نظام ورشکستگی ایران محسوب می‌شود. این رأی، معادل ریالی مطالبات ارزی را بر اساس نرخ روز اعلامی بانک مرکزی در زمان تصدیق مطالبات تعیین می‌کند تا ارزش واقعی بستان کاران در برابر نوسانات ارزی حفظ شود. با این حال، تحلیل محتوای رأی نشان می‌دهد که ملاک قرار دادن نرخ ارز در زمان تصدیق مطالبات، می‌تواند با اصل بنیادین تساوی بستان کاران در فرآیند تصفیه ناسازگار باشد. در شرایطی که ارزش ریالی ارز افزایش یا کاهش یابد، سهم بستان کاران ریالی و ارزی نسبت به دارایی موجود

ورشکسته دست‌خوش تغییر نامتناسب شده و عدالت نسبی تقسیم‌دارایی مختل می‌شود. این مقاله ابتدا ضمن تشریح سازوکار تشخیص و تصدیق مطالبات و نقش اداره یا مدیر تصفیه به‌عنوان قائم‌مقام تاجر ورشکسته، زمینه‌های صدور این رأی را بررسی می‌کند. سپس، محتوای رأی وحدت رویه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت، رأی مورد بررسی انتقادی قرار گرفته و پیشنهاد می‌شود که برای حفظ عدالت و تساوی بستان‌کاران، تاریخ توقف ورشکسته به‌عنوان معیار تسعیر مطالبات ارزی ملاک قرار گیرد. این روی‌کرد، هم با مبانی امر تصفیه سازگار است و هم می‌تواند راه‌گشای اجرای عادلانه‌تر فرایند ورشکستگی باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق تجارت، ورشکستگی، اصل تساوی بستان‌کاران، مطالبات ارزی، دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه، نقد رای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

نظام ورشکستگی یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی در اقتصاد هر کشور به‌شمار می‌آید که هدف اصلی آن، تأمین عدالت در تقسیم دارایی تاجر ورشکسته میان بستان‌کاران است. در این چارچوب، اصل تساوی بستان‌کاران، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر فرآیند تصفیه، جایگاه ویژه‌ای دارد و هر گونه تصمیم‌گیری در این خصوص باید با توجه به این اصل صورت گیرد.

یکی از محورهای چالش‌برانگیز در نظام حقوقی ورشکستگی ایران، مسأله تسعیر مطالبات ارزی بستان‌کاران تاجر ورشکسته است. با توجه به نوسانات نرخ ارز و تأثیر آن بر ارزش واقعی بدهیها، تعیین مبنای تسعیر این مطالبات به یکی از مسائل مهم و مناقشه‌برانگیز میان محاکم، بستان‌کاران و مرجع تصفیه^۱ تبدیل شده است. اختلاف رویه قضایی در این زمینه، ضرورت ورود دیوان عالی کشور و صدور رأی وحدت رویه برای ایجاد هماهنگی دستگاه قضایی را برجسته ساخته است.

مقاله حاضر در پی تحلیل و بررسی رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ دیوان عالی کشور است که به‌طور مشخص، مبنای تسعیر مطالبات ارزی بستان‌کاران تاجر ورشکسته را تعیین کرده است. در این مقاله، ابتدا به شرح موضوع و زمینه‌های صدور رأی وحدت رویه پرداخته می‌شود. در بخش بعدی، خود رأی به‌طور دقیق مورد تحلیل قرار گرفته و ابعاد حقوقی و اقتصادی آن بررسی می‌شود. در بخش پایانی نیز، رأی مورد نقد قرار گرفته و نظر دقیق‌تر در خصوص مبنای تسعیر مطالبات ارزی ارائه می‌شود.

۱. برای جلوگیری از اطناب، در سراسر این مقاله هر جا حسب مورد اقدامی بر عهده اداره تصفیه یا مدیر تصفیه باشد، از اصطلاح «مرجع تصفیه» استفاده می‌شود.

۲. شرح موضوع

حکم ورشکستگی در نظام حقوقی ایران از جایگاهی ویژه برخوردار است و روند اجرای آن با سایر احکام تفاوت‌های اساسی دارد. این تمایز، حاصل پیش‌بینی مقررات خاصی است که چارچوب و شیوه رسیدگی و اجرای این حکم را از دیگر احکام متمایز می‌سازد. در ادامه، ضمن تبیین این ویژگی استثنایی، مرحله تعیین دارایی تاجر ورشکسته از فرایند اجرای این حکم و چالش مربوط به تصدیق مطالبات ارزی در این مرحله بررسی خواهد شد.

۲-۱. تعیین دارایی تاجر ورشکسته؛ گامی در فرآیند تصفیه

یکی از ویژگیهای برجسته حکم ورشکستگی، تفاوت آن با سایر احکام محاکم در مرحله اجرا است. توضیح آن‌که، مستند به ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی،^۱ اصل بر این است که آغاز اجرای حکم منوط به قطعیت آن است. با وجود این در خصوص حکم ورشکستگی، اجرای آن به موجب قواعد خاصی صورت می‌گیرد و نیازی به قطعیت حکم نیست.^۲

۱. ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی: «هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر این‌که قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد.»
۲. حکم ورشکستگی واجد ویژگیهایی خاص و متمایز دیگری از سایر احکام دادگاههای حقوقی است؛ تمایزاتی که صرفاً محدود به قابلیت اجرای قبل از قطعیت نبوده و در ابعاد متعدد دیگری نیز قابل مشاهده است. این تفاوت‌ها از قرار ذیل هستند:

الف) برای اجرای حکم ورشکستگی نیاز به ابلاغ حکم به محکوم‌علیه نیست؛ درحالی‌که برای اجرای احکام محاکم باید حکم ابتدا به محکوم‌علیه ابلاغ شود.

ب) اجرای حکم ورشکستگی برخلاف سایر احکام، نیازمند صدور اجرائیه نیست.

پ) احکام حقوقی محاکم با تقاضای محکوم‌له اجرا می‌شود و محکوم‌له می‌تواند در هر مقطعی از اجرا، متوقف شدن اجرا را تقاضا کند و حتی اگر محکوم‌له جریان اجرا را تعقیب نکند، اجرا متوقف می‌شود؛ اما

به بیان دیگر، اجرای حکم ورشکستگی^۱ استثنایی بر قاعده‌ی کلی اجرای احکام محسوب می‌شود.^۲ این استثنا در ماده ۴۱۷ قانون تجارت پیش‌بینی شده است که مقرر می‌دارد: «حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود.» با اتکا به همین قاعده، به موجب ماده ۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی،^۳ پس از صدور حکم ورشکستگی از سوی دادگاه،

حکم ورشکستگی به دلیل آن‌که واجد جنبه عمومی و جمعی است، چنین نیست و به محض صدور چه شخصی تقاضا کند و چه تقاضا نکند، فرایند اجرا شروع می‌شود و تقاضای توقف آن نیز پذیرفته نمی‌شود. (ت) اجرای احکام حقوقی محاکم توسط مأمور اجرا (دادورز) صورت می‌گیرد؛ اما اجرای حکم ورشکستگی توسط اداره تصفیه یا مدیر تصفیه انجام می‌شود.

(ث) اجرای احکام مالی محاکم، نیازمند پرداخت مبلغی تحت عنوان نیم‌عشر (۵ درصد مبلغ مورد وصول) است و اجرای احکام غیرمالی نیز نیازمند پرداخت مبلغی است که توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود؛ اما اجرای حکم ورشکستگی نیازمند پرداخت هزینه‌هایی با سازوکار دیگری است. (توکلی، ۱۴۰۲: ۲۳۷-۲۳۸)

۱. اجرای حکم ورشکستگی تصفیه نام دارد.

۲. نمونه‌ای دیگر از موارد استثنایی که در آن، حکم پیش از قطعیت قابلیت اجرا دارد، آراء مربوط به دعاوی رفع تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق است. (توکلی، ۱۴۰۴: ۵۳) در این خصوص ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در صورتی که رای صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع صادرکننده، توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد و درخواست تجدیدنظر مانع اجرا نمی‌باشد. در صورت فسخ رای در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا اعاده می‌شود و در صورتی که محکوم به، عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد، مثل یا قیمت آن وصول و تادیه خواهد شد.»

۳. ماده ۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی: «همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می‌شود.»

رونوشتی از حکم صادره حسب مورد به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا به مدیر تصفیه^۱ ارسال می‌شود تا اقدامات اجرایی لازم برای آغاز فرآیند تصفیه دارایی شخص ورشکسته انجام پذیرد.^۲ بنابراین، برخلاف دیگر احکام، در اینجا فوریت اجرا بر قطعیت تقدم دارد و سازوکار تصفیه مطابق قواعد اختصاصی و متفاوت با نظام اجرای احکام مدنی انجام می‌شود.

از جمله مهم‌ترین مراحل در فرآیند تصفیه که آثار مالی قابل توجهی دارد، مرحله تعیین دارایی^۳ متعلق به تاجر ورشکسته است. تحقق این امر مستلزم آن است که تمامی اشخاص

۱. اگر در شهر محل اقامت تاجر که ورشکستگی را صادر کرده، اداره تصفیه وجود داشته باشد، اجرای این حکم در وهله اول، تابع قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و در موارد سکوت آن قانون، تابع مقررات ورشکستگی در قانون تجارت است؛ اما اگر اداره تصفیه وجود نداشته باشد، اجرای آن فقط تابع مقررات ورشکستگی در قانون تجارت است. (توکلی، ۱۴۰۳: ۲۳۷)

۲. شایان ذکر است که در مناطقی که اداره تصفیه امور ورشکستگی تأسیس شده، مقررات قانون اداره تصفیه بر فرآیند تصفیه حاکم است و در سایر حوزه‌ها، اجرای مقررات تصفیه تابع قانون تجارت خواهد بود. بر همین اساس، هرچند حکم مربوط به ارسال رونوشت رأی ورشکستگی به اداره یا مدیر تصفیه به‌صراحت در ماده ۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی تصریح شده و در قانون تجارت حکمی مستقل در این خصوص وجود ندارد، لیکن با استفاده از اصل وحدت ملاک و با توجه به لزوم آغاز سریع فرآیند تصفیه، ارسال رونوشت حکم در کلیه موارد از جمله الزامات مقدماتی اجرای حکم ورشکستگی محسوب می‌شود.

مهم: در سایر موارد مقاله نیز، بهره‌گیری از اصل وحدت ملاک، به‌عنوان پیش‌فرض مبنایی نویسندگان در تحلیل مقررات پذیرفته شده و از این‌رو از تکرار اشاره به آن خودداری می‌شود.

۳. دارایی گاهی به معنی گسترده‌ای به‌کار می‌رود که بدهی را نیز در فرا می‌گیرد. دارایی بدین معنی مجموعه‌ای مرکب از دو جزء است: جزء مثبت و جزء منفی. جزء مثبت دارایی از اموال و حقوق مالی شخص تشکیل

ذی‌نفع، اعم از بستان‌کاران، بده‌کاران و سایر اشخاصی که اموالی از وی را به هر عنوان در اختیار دارند، شناسایی و فراخوانده شوند تا وضعیت حقوقی آن اموال روشن شود. در همین راستا، ماده ۳ مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته^۱ مقرر می‌دارد که مرجع تصفیه باید در ابتدای فرآیند، فهرستی از بستان‌کاران احتمالی تاجر ورشکسته تهیه و تنظیم کند.^۲

پس از تنظیم این فهرست، مستند به ماده ۴ مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته،^۳ مرجع تصفیه اختاریه‌ای مبنی بر دعوت از اشخاص ذی‌نفع از طریق درج در روزنامه رسمی کشور و یک روزنامه کثیرالانتشار منتشر می‌کند. این دعوت عمومی، به‌منظور اعلام

می‌شود. این حقوق را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: حقوق عینی، حقوق دینی و حقوق فکری. جزء منفی دارایی شامل کلیه تعهدات و دیون مالی شخص است. (صفایی، ۱۴۰۰: ۱۹۵-۱۹۶)

۱. ماده ۳ مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته: «همین که مدیر تصفیه معین شد باید فوراً صورتی از طلب‌کاران احتمالی تاجر ورشکسته مرتب نماید. صورت مزبور را مدیر تصفیه با مراجعه به‌صورت قروض که تاجر متوقف مطابق ماده ۴۱۴ قانون تجارت می‌دهد و یا بر طبق دستور ماده ۴۴۹ در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم نموده باشد تنظیم می‌کند.»

۲. برای تنظیم این فهرست مرجع تصفیه می‌تواند از خود ورشکسته یا شاگردان و کارمندان او یا اشخاص مطلع دیگر تحقیق و مراتب را در صورت مجلس درج کند. (اسکینی، ۱۴۰۲: ۱۷۱-۱۷۲)

۳. ماده ۴ مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته: «همین که صورت طلب‌کاران احتمالی موافق ماده فوق تنظیم گردید مدیر تصفیه به وسیله اعلان در مجله رسمی و لااقل یک روزنامه دیگر به طلب‌کاران احتمالی اخطار می‌نماید که در مدت‌های ذیل خود را معرفی کرده و اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.»

مهلت قانونی^۱ برای مراجعه ذی‌نفعان است. بر اساس ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، اشخاص ذی‌نفع مکلف‌اند در مهلت مقرر، اقداماتی را انجام دهند. در صورت بستن کار بودن، ادعای خود را به‌همراه مدارک مثبت آن (اصل یا رونوشت گواهی‌شده) به مرجع تصفیه تسلیم کنند؛ در صورت بده کار بودن، مراتب را به مرجع تصفیه اعلام دارند؛ و در صورتی که مالی از اموال ورشکسته در اختیار دارند، آن را در اختیار مرجع تصفیه قرار دهند.

با انقضای مهلت قانونی فوق، فرایند تشخیص مطالبات آغاز می‌شود. اگر امر تصفیه توسط مدیر تصفیه انجام شود، مطابق ماده ۴۶۳ قانون تجارت،^۲ وی مکلف است ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور، به تشخیص و تصدیق دارایی تاجر ورشکسته اقدام کند. در صورتی که اداره تصفیه عهده‌دار انجام امور باشد، مطابق ماده ۳۳ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی،^۳ مهلت این نهاد برای این موضوع، بیست روز از تاریخ انقضای مهلت مقرر

۱. برای آگاهی از مهلت‌های مقرر قانونی، به ماده ۴۶۲ قانون تجارت، ماده ۴ مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته و ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی رجوع شود.

۲. ماده ۴۶۳ قانون تجارت: «تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز وساعتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد، به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد، تعقیب می‌شود.»

۳. ماده ۳۳ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی: «پس از انقضای موعد ابراز اسناد منتهی در ظرف بیست روز اداره صورتی با در نظر گرفتن طلب‌هایی که حق رهن و یا رجحان دارند تهیه خواهند نمود.»

خواهد بود. نتیجه فرایند رسیدگی، در قالب تنظیم صورت مجلس تشخیص مطالبات^۱ متجلی می‌شود که مطابق ماده ۳۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی^۲ از طریق درج آگهی، به اطلاع اشخاص ذی‌نفع خواهد رسید.

ممکن است اقدامات مربوط به تعیین دارایی تاجر ورشکسته با اعتراض مواجه شود. رسیدگی به این موضوع در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی است. در صورتی که امر تصفیه توسط مدیر تصفیه انجام شود، به موجب ماده ۴۶۸ قانون تجارت،^۳ شخص معترض نمی‌تواند مستقیماً اعتراض خود را به دادگاه صالح تقدیم کند، بلکه باید آن را به عضو ناظر ارائه نماید و عضو ناظر نیز حل موضوع را از دادگاه درخواست می‌کند. اما در صورتی که تصفیه توسط اداره تصفیه انجام گیرد، مستند به ماده ۳۶ قانون اداره

۱. ماده ۴۶۵ قانون تجارت: «محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و به علاوه توصیف مختصری از سند داده می‌شود و تعیین قلم‌خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین‌السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع‌فیه است.»

۲. ماده ۳۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی: «این صورت از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران خواهد رسید. و در اختیار کسانی که ادعای حقی نسبت به متوقف می‌نمایند گذاشته می‌شود. به بستانکاران مردود و همچنین به بستانکارانی که حق رجحان برای خود قائل بوده و اداره به ادعای آنها ترتیب اثر نداده است مستقیماً مراتب اعلام خواهد شد.»

۳. ماده ۴۶۸ قانون تجارت: «اگر طلب متنازع‌فیه واقع شده عضو ناظر می‌تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپرت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می‌تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به عمل آید و اشخاصی را که می‌توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.»

تصفیه امور ورشکستگی^۱ اشخاص معترض می‌توانند دعوای خود را مستقیماً نزد دادگاه صالح مطرح کنند.

۲-۲. تصدیق مطالبات ارزی؛ محور اختلاف آراء قضایی

با توجه به آن‌چه پیش‌تر بیان شد، امکان اعتراض به فهرست دارایی تاجر ورشکسته، در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده است. یکی از موارد چالش‌برانگیز در ارتباط با فهرست دارایی تاجر ورشکسته، نحوه تشخیص و تعیین مطالبات ارزی است. در این زمینه، تعیین مبلغ ریالی این مطالبات، بویژه با توجه به نوسانات نرخ ارز، مهم‌ترین محورهای اختلاف میان ذی‌نفعان و مرجع تصفیه به شمار می‌آید. در نتیجه این اختلافات، در بسیاری از موارد ذی‌نفعان نسبت به تشخیص مطالبات ارزی در دادگاه صالح اعتراض می‌کنند. پرسش اساسی در این زمینه آن است که آیا مرجع تصفیه باید عین ارز را در ستون دیون ثبت کند یا معادل ریالی آن را، و در صورت اخیر، این تسعیر باید به چه نحوی محاسبه شود؟ نرخ زمان توقف؟ نرخ زمان تصدیق؟ قانون تجارت و سایر قوانین مرتبط، حکم صریحی برای این موضوع پیش‌بینی نکرده‌اند. بدین ترتیب، رویه قضایی حاکی از آن است که محاکم دادگستری در این زمینه روی کردهای متفاوت و بعضاً متعارضی اتخاذ کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این اختلاف‌نظرها را می‌توان از مصادیق بارز تعارض رویه قضایی دانست. بررسی آراء قضایی موجود نشان می‌دهد که در این خصوص، می‌توان سه رویکرد عمده در میان محاکم شناسایی کرد که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲. رویکرد اول: تسعیر به نرخ روز توقف

۱. ماده ۳۶ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی: «هر کس نسبت به این صورت اعتراض داشته باشد در ظرف ۲۰ روز از انتشار آگهی حق دارد در دادگاه صادرکننده حکم توقف اقامه دعوی کند. ...»

بر اساس این دیدگاه، ملاک تسعیر مطالبات ارزی، نرخ ارز در زمان توقف تاجر است. توقف به موجب قانون تجارت، هنگامی محقق می‌شود که تاجر از تأدیه دیون خود در سررسید ناتوان شود.^۱ از نظر طرفداران این روی‌کرد، روز توقف، همان نقطه آغاز فصلی جدید از روابط حقوقی تاجر بوده و از آن زمان به بعد، همه بستان کاران وی باید با وضعیت مالی واحد و برابر سنجیده شوند. تسعیر ارز به نرخ روز توقف، تضمین‌کننده عدالت میان بستان کاران ریالی و ارزی دانسته می‌شود.

نمونه رأی مؤید روی‌کرد اول:

به حکایت دادنامه شماره ۸۴۲۶ - ۱۴۰۲/۰۱/۳۱ شعبه پانزدهم دادگاه عمومی شهرستان کرمانشاه، در خصوص دعوای آقای علی ... به وکالت از بانک ... به طرفیت اداره تصفیه امور ورشکستگی استان کرمانشاه، رئیس اداره ورشکستگی استان و گروه صنعتی آ. ... به خواسته اعتراض به تصمیم اعلام صورت بستان کاران و طبقه‌بندی تصدیق مطالبات بانک از شرکت آ. ... (ورشکسته)، چنین رأی داده شده است: «... دادگاه با توجه به اوراق پرونده از جمله دادخواست تقدیمی و اظهارات طرفین در جلسه دادرسی و نظر کارشناسان، حسب این که استناد اداره تصفیه به ماده ۲۰ قانون رفع موانع تولید ... خالی از اشکال نیست، ادعای خواهان را وارد می‌داند؛ چه این که ۱. بدهی ارزی تاجر به موجب قراردادهایی ایجاد شده که در خلال سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ منعقد شده است، در حالی که حکم ورشکستگی شرکت آ. ... در سال ۱۳۹۶ صادر شده است و تاریخ توقف

۱. ماده ۴۱۲ قانون تجارت: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. ...»

۱۳۹۴/۰۱/۱۵ تعیین شده است. بنابراین تاجر تا تاریخ توقف مکلف به پرداخت دیون خود بوده است. ۲. اجرای قانون مذکور منوط به تصویب آیین نامه مربوط شده است. ۳. اجرای قانون مذکور و آیین نامه مربوط، منوط به مختومه شدن کلیه عملیات اجرایی قضایی و ثبتی و تسویه بخشی از مطالبات بانکها و انعقاد قرارداد متمم و ... شده است. بنابراین هیچ یک از شرایط قانون مذکور مراعات نشده و اساساً مراجع قضایی و ثبتی (از جمله اداره تصفیه) مجاز به استفاده از مزایایی که قانون مذکور برای بده کاران در نظر گرفته نیستند و کلیه اقداماتی که در مقررات مذکور پیش بینی شده، الزاماً در بانک های عامل و بر اساس آیین نامه و اصلاحیه آن صورت می گیرد، لذا خواسته را وارد می داند و مطابق مواد ۱۹۸، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، حکم به اصلاح طلب بانک ... از شرکت ورشکسته آ ... از ۳۲۰،۱۲۱،۳۰۳،۶۳۴ ریال به ۲۹۶،۶۷۵،۳۲۹،۷۷۲ ریال و ۱۵،۳۷۲،۷۲۲/۴۵ دلار آمریکا ...، صادر و اعلام می دارد. ...»

پس از تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه، به موجب دادنامه شماره ۵۸۷۴ - ۱۴۰۲/۰۴/۲۹، چنین رأی داده است: [«... نظر به این که برابر دادخواست تجدیدنظرخواه و مستندات و جهات تجدیدنظرخواهی و این که اعتراض آنها صرفاً نسبت به مبلغ دلار آمریکا بوده که این مبلغ باید معادل ریال آن در تاریخ توقف محاسبه شود نه اصل دلار به نرخ امروز، با توجه به اصل یکسان سازی طلب بستان کاران، نرخ دلار به تاریخ توقف محاسبه می شود و معادل ریال آن در مرحله تصفیه در طبقه بندی ذکر می شود و این که مفاد رأی وحدت رویه ۱۵۵ - ۱۳۴۷/۱۲/۱۳ دیوان عالی کشور که به عدم پرداخت خسارت تأخیر ایام بعد از تاریخ توقف به طلب کاران وثیقه دار تاجر ورشکسته دلالت دارد و هر طلب کاری که دارای طلب عین از ورشکسته است هم از این قاعده مستثنی نبوده و برای یکسان سازی الزاماً طلب عین ورشکسته باید به نرخ

تاریخ توقف محاسبه شود تا قاعده تساوی مابین کلیه بستان کاران رعایت گردد و در واقع فلسفه رأی وحدت رویه هم همین رعایت تساوی و صرفاً پرداخت طلب بستان کاران از طرف اداره تصفیه از تاریخ توقف «۱۳۹۴/۰۱/۱۵» است، لذا در اجرای ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی با وارد دانستن ادعای تجدیدنظرخواه مبلغ طلب ۱۵,۳۷۲,۷۲۲/۴۵ دلار آمریکا معادل ریالی آن در تاریخ توقف برابر استعلام از بانک مرکزی و محاسبه قیمت آن به ریال اصلاح و با تأیید سایر ارکان دادنامه، اصدار رأی می‌گردد. ...»]



۲-۲-۲. روی کرد دوم: تسعیر به نرخ روز تصدیق

برخی از محاکم بر این باورند که تسعیر ارز باید در زمان تشخیص و تصدیق مطالبات طلب کاران توسط مرجع تصفیه انجام شود. مستند این نظر آن است که تا پیش از تصدیق، طلب به صورت رسمی به ثبت نرسیده و میزان دقیق آن مشخص نشده است. در نتیجه، زمان تصدیق، نخستین نقطه‌ای است که طلب به صورت قطعی وارد فرایند تصفیه می‌شود و می‌تواند مبنای حقوقی محاسبه و مشارکت در دارایی تاجر قرار گیرد.

نمونه رأی مؤید روی کرد دوم:

به حکایت دادنامه شماره ۰۵۶۸ - ۱۳۹۷/۰۶/۰۷ شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی تهران، در خصوص دعوای بانک ... با وکالت آقای محسن ... به طرفیت اداره تصفیه امور ورشکستگی به خواسته اعتراض به چگونگی و میزان تصدیق طلب اداره تصفیه امور ورشکستگی، چنین رأی داده شده است: [«... با بررسی و مذاقه در این امر و محتویات پرونده مشخص می‌گردد آن چه شرکت ورشکسته از بانک تحت عنوان وام و تسهیلات و اعتبارات اسنادی اخذ نموده است بر دو قسمت بوده یکی پرداختهای ریالی و دیگر تحت عنوان اعتبارات اسنادی و به عبارت رایج، ال سی‌های مختلف و متداول تجاری که به صورت پرداختهای یورویی بوده است. آن چه منشأ بروز اختلافات فی مابین طرفین بوده است، قسمت دوم پرداختها است که خواهان و وکیل وی مدعی هستند باید با توجه به نوسانات و تغییرات قیمت ارز در بازار و نیز توجهاً به بخشنامه ۱۰۱۵ - ۶۰ - ۱۳۹۲/۰۹/۱۶ بانک مرکزی به قیمت روز محاسبه گردد و از این رو در پرونده مشاهده می‌شود که هیئت ۳ نفره مبنای مطالبات بانک را محاسبه قیمت ارز به تاریخ روز اعلام داشته [و] هیئت ۵ نفره نیز در اقدامی عجیب مبنای خود را محاسبه قیمت ارز در تاریخ ترخیص کالا از گمرکات توسط شرکت ورشکسته قرار داده است، لذا موضوع به هیئت ۷ نفره کارشناسان

رسمی دادگستری ارجاع گردیده و هیئت مذکور در نظریه شماره ۹۶۰۰۳۱/۵/۶ - ۱۳۹۷/۰۳/۲۳ ... اعلام داشته است که با توجه به این که مطالبات بانک از شرکت ورشکسته تحت دو عنوان ریالی و ارزی بوده است، میزان کل بدهیهای شرکت تولیدی ر. ... در خصوص تسهیلات ریالی در تاریخ توقف مبلغ ۱۶,۲۱۰,۸۲۷,۸۱۴ ریال بوده و میزان کل بدهیهای شرکت ورشکسته فوق در خصوص گشایش اعتبارات اسنادی (ال سی) با در نظر گرفتن نرخ رسمی یورو اعلامی از سوی بانک مرکزی در تاریخ توقف ۱۳۸۶/۰۱/۰۹ مبلغ ۲,۴۲۶,۴۴۲,۲۹۲ ریال اعلام شده است، فلذا جمع مبالغ بدهی شرکت ورشکسته به بانک خواهان را در تاریخ توقف جمعاً مبلغ ۱۸,۶۷۳,۲۷۰,۱۰۶ ریال اعلام داشته است، همچنین هیئت ۷ نفره اعلام داشته است از آن جایی که شرکت ورشکسته بعد از تاریخ توقف، مبالغی را به بانک خواهان پرداخت نموده است که جمعاً مبلغ ۱۷,۶۹۱,۹۸۴,۶۸۶ ریال بوده است، لذا در حال حاضر بدهی شرکت ورشکسته به بانک ... تفاضل دو مبلغ مذکور بوده و مطابق مبلغ ۹۸۱,۳۲۱,۴۲۰ ریال است. نظریه واصله پس از ابلاغ به طرفین دعوی مورد اعتراض وکیل خواهان واقع شده است که مبنای اعتراض وی همان دستورالعمل بخشنامه شماره ۱۰۱۵/۶۰ - ۱۳۹۲/۰۹/۱۶ بانک مرکزی است که ملاک محاسبه قیمت ارز را تاریخ پرداخت بدهی دانسته است، اعتراض به عمل آمده موجه نیست؛ چرا که تاریخ بخشنامه مربوط به ۱۳۹۲/۰۹/۱۶ بوده، در حالی که تاریخ اعلام ورشکستگی شرکت ر. ... در مورخ ۱۳۸۶/۰۱/۰۹ است و بدیهی است که بخشنامه ناظر به زمان بعد از تصویب خود است و حکومتی بر تاریخ مقدم بر تصویب خود نداشته و ندارد، فلذا مبنای محاسبه هیئت ۷ نفره صحیح بوده و ملاک محاسبه قیمت ارز، تاریخ توقف ورشکسته است و از نظر دادگاه نظریه مذکور با توجه به جهات و مبانی تشخیص و محاسبه که به طور صحیح و منجز و قطعی بیان گردیده است و با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه نیز مخالفت و مبیانیتی نداشته و برای دادگاه نیز قابل متابعت است و موجبی برای

عدول از آن وجود نداشته و ملاک اعتبار و استناد برای دادگاه قرار می‌گیرد، لذا با عنایت به مراتب، دادگاه میزان کل بدهی شرکت ورشکسته را در تاریخ توقف ۱۳۸۶/۰۱/۰۹ مبلغ ۱۸,۶۷۳,۲۷۰,۱۰۶ ریال وارد دانسته است که با توجه به پرداختهای انجام شده از ناحیه شرکت ورشکسته بعد از تاریخ ورشکستگی در حق خواهان به میزان ۱۷,۶۹۱,۹۴۸,۶۸۶ ریال مبلغ بدهی شرکت ورشکسته را به بانک خواهان تا تاریخ اعلام نظر کارشناسان در مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۳ میزان ۹۸۱,۳۲۱,۴۲۰ ریال مستنداً به مواد ۴۶۴ لغایت ۴۷۶ قانون تجارت و مواد ۳۰، ۳۵ و ۳۶ قانون تصفیه امور ورشکستگی تصدیق و تعیین می‌نماید. ...»]

پس از تجدیدنظر خواهی از این رأی، شعبه هجدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۰۱۳۲ - ۱۳۹۸/۰۲/۰۴، چنین رأی داده است: [«... اعتراض به شرح لایحه اعتراضیه وارد و مستوجب نقض آن است؛ زیرا که اولاً، مراتب بستان کاری تجدیدنظر خواه قبل از صدور حکم ورشکستگی شرکت ر. ... به دلالت قراردادهای ریالی به شماره های ۹۱/۸۱۸۳۳۴۵۱۹، ۶۸/۸۱۸۳۳۴۵۱۹، ۱۵/۸۱۸۳۳۴۵۲۱، ۳۶/۸۱۸۳۳۴۵۲۴ و ارزی به شماره های ۸۳۲۰۰۸۰۴ - ۸۳۲۰۰۸۱۱ مفروغ عنه است که برابر قراردادهای موصوف شرکت ر. ... مبادرت به اخذ تسهیلات ریالی و ارزی از بانک ... نموده است که پس از صدور حکم ورشکستگی شرکت، بانک ... اسناد طلب خود را تسلیم نموده است و آنچه محل اختلاف در فرآیند صورت گرفته و تشخیص مطالبات است ناظر به تسهیلات ارزی است که برابر اعتبارات اسنادی گشایش یافته بانک ... از بابت گشایش اعتبار شماره ۸۳۲۰۰۸۰۴ مبلغ ۹۶۰/۱۶۷ یورو بابت مانده اصل و بابت خسارت تأخیر تأدیه تا تاریخ توقف (۱۳۸۶/۰۱/۰۹) ۷۵/۴۸۵/۲۷ یورو و از بابت گشایش اعتبار اسنادی شماره ۸۳۰۰۸۱۱ مبلغ ۸۵۴/۲۶ یورو بابت مانده اصل و ۹۷/۸۴۵/۴ یورو از حیث خسارت تأخیر تأدیه طلب کار بوده که مجموع این دو رقم با احتساب خسارت تأخیر

تأدیه بالغ بر ۱۵۰/۲۲۹ یورو است که مربوط به قبل از تاریخ توقف بوده که مدیون مکلف به پرداخت آن بوده است که ملاک محاسبه آن به تاریخ پرداخت است که مؤید این مطلب تصریح بخشنامه شماره ۱۵/۶۰ خ- ۱۳۹۲/۰۹/۱۶ بانک مرکزی است، بنابراین تعیین معادل ریالی اعتبار اسنادی به زمان توقف فاقد وجهت قانونی است. ثانیاً، با شمول بخشنامه بانک مرکزی تحت شماره مارالذکر بر نحوه پرداخت آن چه ملاک پرداختی باشد همانا نرخ روز پرداخت است که در زمان تصدیق می‌بایست مورد توجه قرار می‌گرفت که بدین گونه عمل نشده و این امر در تعارض با حقوق بستان کار است؛ علی هذا دادگاه با پذیرش لایحه اعتراضیه و با استناد به قسمت اول ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی [دادگاههای عمومی و انقلاب در امور] مدنی، ضمن نقض دادنامه معترض عنه حکم بر تصدیق مطالبات خواهان به این نحو که جمع مطالبات ریالی وی ۱۶,۲۱۰,۸۲۷,۸۱۴ ریال که با پرداخت مبلغ ۱۷,۶۹۱,۹۴۸,۶۸۶ ریال از ناحیه شرکت ورشکسته، آن شرکت از این بابت مبلغ ۱,۴۸۱,۱۲۰,۸۷۲ ریال بستان کار است و کماکان بدهی ارزی وی به میزان ۱۵۰/۲۲۹ یورو به قوت خود باقی بوده که رقم بستان کاری در زمان محاسبه بخش ارزی به نرخ روز از آن مبلغ کسر و تهاتر می‌گردد. ...»]

۲-۲-۳. روی کرد سوم: تصدیق عین ارز بدون تسعیر

روی کرد سوم که در برخی آرا انعکاس یافته، مبتنی بر این دیدگاه است که در صورت ارزی بودن دین، اصولاً باید عین ارز مطالبه شده را به رسمیت شناخت و نیازی به تسعیر آن وجود ندارد. از این منظر، تاجر ورشکسته نسبت به عین ارز بده کار است و نه به معادل ریالی آن. این روی کرد بیشتر ناظر به اعتبار ماهیت ارزی بودن دین است، نه صرفاً محاسبه سهم بستان کار.

نمونه رأی مؤید روی کرد سوم:

به حکایت دادنامه شماره ۱۴۱۲ - ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ شعبه ۱۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران، در خصوص دعوای بانک ... با وکالت خانم ندا ... به طرفیت اداره تصفیه امور ورشکستگی تهران با وکالت آقای محمد ... به خواسته اعتراض به صورت طبقه‌بندی اداره تصفیه امور ورشکستگی شرکت ت. ...، چنین رأی داده شده است: [«... الزمیه با توجه به ارجاع امر به کارشناسی، نظر به این که حسب نظریه هیئت ۵ نفره کارشناسان مطالبات خواهان تشخیص گردیده و علی رغم اعتراض وکیل خوانده، مراتب مذکور در لایحه اعتراضی مجدداً به همان هیئت جهت بررسی و عنداللزوم نظریه تکمیلی ارجاع گردید. (ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی [دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی] و نظریه تکمیلی مؤید همان نظریه قبلی است. ... لذا موجهی برای ارجاع به هیئت بعدی کارشناسان نبوده و اعتراض از عداد دلایل خارج می‌گردد. ... لذا دعوی معنونه به شرح مذکور وارد بوده و حکم به تشخیص میزان مطالبات خواهان شامل مبلغ ۱۷,۷۲۰,۳۴۲,۱۰۹ ریال (هفده میلیارد و هفتصد و بیست میلیون و سیصد و چهل و دو هزار و صد و نه ریال) و ۲,۸۵۱/۱۷۱ یورو (دو میلیون و هشتصد و پنجاه و یک هزار و صد و هفتاد و یک یورو) صادر و اعلام می‌گردد. ...»]

پس از تجدیدنظرخواهی از این رأی شعبه سی و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۲۴۹۶ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۹، چنین رأی داده است: «عمده اعتراض تجدیدنظرخواه عدم ابلاغ نظریه تکمیلی کارشناس توسط دادگاه به طرفین و فقدان سمت قانونی وکیل در تقدیم دادخواست و تعیین مطالبه به یورو و عدم توجه به پرداختهای شرکت قبل از ورشکستگی و تاریخ توقف از بدهی است، با توجه به انطباق نظریه تکمیلی به واقعیت امر و مستندات و مورد ملاحظه آن توسط تجدیدنظرخواه و این که با توجه به تاریخ دریافت تسهیلات عدم تسویه ریالی شرکت ت. ... در مهلت مقرر

و با توجه به بخشنامه ۶۰/۱۰۱۵-۱۳۹۳/۰۹/۱۶ [۱۳۹۲] مشمول امتیازات بخشنامه استنادی صادره از سوی بانک مرکزی نمی‌گردد، بنابراین اعتراض تجدیدنظرخواه در حدی نبوده که به رأی صادره خللی وارد و نقض آن را ایجاب نماید و رأی مزبور موافق مندرجات پرونده بوده و با رعایت اصول و تشریفات دادرسی صادر شده و فاقد ایراد و اشکال بوده، موضوع مشمول هیچ یک از جهات مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی [دادگاه های عمومی و انقلاب در امور] مدنی نیست، لذا به تجویز ماده ۳۵۸ قانون مورد اشاره، ضمن ردّ تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظر خواسته را تأیید می‌نماید. ...»]

۳. تحلیل رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در بخش پیشین، ابتدا به بررسی کلیاتی از فرایند تصفیه در مرحله تعیین دارایی تاجر ورشکسته پرداخته شد و سپس آراء قضایی در خصوص تصدیق مطالبات ارزی بستان کاران ورشکسته مورد بررسی قرار گرفت. این مباحث نشان داد که تفاوت نظر میان محاکم، یکی از مهم‌ترین چالشهای حقوقی در این حوزه به شمار می‌رود. این اختلافات، ضرورت مداخله دیوان عالی کشور را بر اساس ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری،^۱

۱. ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستانها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیئت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم روسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت

برای ایجاد وحدت رویه قضایی آشکار ساخت. بر همین اساس، موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح شد. در پی بررسیهای انجام شده و استماع اظهارات موافقان و مخالفان در جلسه هیئت عمومی، دیوان عالی کشور نهایتاً به منظور رفع تشتت آراء، رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ را صادر کرد که به موجب آن، مبنای محاسبه و تسعیر مطالبات ارزی بستان کاران ورشکسته، معادل ارزش ریالی ارز به نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی در زمان تصدیق مطالبات تعیین شد.

رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
«مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۶۲ و ۴۶۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳ با اصلاحات بعدی و مواد ۱۳، ۳۰، ۳۶ و ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۰۴/۲۴ با صدور حکم ورشکستگی، اداره تصفیه به قائم مقامی از شخص ورشکسته مبادرت به تشخیص و تصدیق مطالبات بستان کاران با رعایت تناسب حقوق آنان می نماید. در صورتی که مطالبات برخی از بستان کاران ارز بوده، مبنای محاسبه و تسعیر، معادل ارزش ریالی آن به نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان تصدیق مطالبات خواهد بود. بنا به مراتب رأی شعبه هجدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.»

به آن اتخاذ تصمیم کنند. رای اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضائی و غیر آن لازم الاتباع است؛ اما نسبت به رای قطعی شده بی اثر است. ...»

با صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ دیوان عالی کشور، دیوان مبنای تصدیق مطالبات ارزی بستان کاران در فرایند تصفیه ورشکستگی را مشخص کرد. در ادامه این بخش، این رأی به صورت دقیق مورد بررسی و تحلیل قرار قرار خواهد گرفت.

مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین محور رأی، تعیین مبنای محاسبه و تسعیر مطالبات ارزی بستان کاران است. بر اساس مفاد این رأی، تسعیر مطالبات ارزی در زمان تصدیق مطالبات محاسبه شود. این روی کرد، مبتنی بر این منطق است که بستان کار، حق دارد ارزش واقعی طلب خود را در برابر تغییرات و نوسانات بازار ارز حفظ کند و نباید به دلیل کاهش ارزش پول ملی، متحمل زیان شود. قاعده معروف «لا ضرر و لا ضرار»^۱ نیز تأییدکننده چنین سیاستی است؛ چرا که مانع از آن می‌شود که اجرای سازوکار تصفیه، موجبات زیان ناعادلانه برای بستان کاران را فراهم آورد. چنین نگاهی، با هدف تأمین عدالت برای بستان کاران و جلوگیری از ایجاد امتیاز ناعادلانه برای بده کار شکل گرفته است، بویژه در شرایطی که ورشکستگی ممکن است سالها به طول انجامد و ارزش پول ملی در این فاصله به شدت کاهش یابد. به بیان دیگر، پذیرش نرخ روز در زمان تصدیق مطالبات، نوعی مکانیزم جبرانی برای مقابله با آثار تورم و افت ارزش پول است که به نوعی از بستان کار در برابر ریسک اقتصادی ناشی از تأخیر در وصول طلب حمایت می‌کند. با این حال، چنین مبنایی ممکن است محل مناقشه باشد که در بخش بعدی مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

یکی از نکات قابل توجه در رأی، تأکید بر ریالی‌سازی مطالبات ارزی برای امر تصفیه است. رأی به صراحت مقرر می‌دارد که در فرایند تصفیه، معادل ریالی مطالبات ارزی باید در مرحله تصدیق مطالبات ثبت شود، امری که ناشی از جایگاه ریال به عنوان وجه رایج کشور

^۱. قاعده لا ضرر به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است. (مشکینی، ۱۳۸۶: ۲۰۳)

است.^۱ لازم به ذکر است که این اقدام صرفاً به منظور ایجاد مبنای محاسباتی یکسان برای تقسیم دارایی تاجر ورشکسته میان بستان کاران صورت می گیرد و نباید آن را به عنوان تغییری در ماهیت تعهد ارزی و جایگزینی آن با دین ریالی در روابط حقوقی خارج از فرآیند تصفیه تلقی شود. بر این اساس، چنانچه قرارداد ارفاقی^۲ میان تاجر ورشکسته و بستان کاران منعقد شود، وی مکلف است مطالبات ارزی بستان کاران را به همان صورت ارزی ایفا کند؛ زیرا با انعقاد قرارداد ارفاقی، فرایند تصفیه متوقف شده^۳ و تاجر ورشکسته به وضعیت حقوقی سابق خود باز می گردد^۴ که این امر خارج از سازوکار تصفیه است. در چنین حالتی، مبنای پرداخت، مفاد قرارداد بوده و ماهیت اولیه تعهد به قوت خود باقی می ماند و ریالی سازی انجام شده در مرحله تصدیق، اثر الزام آور خود را از دست می دهد.

۱. ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «الف- واحد پول جمهوری اسلامی ایران، ریال است. ...»

۲. پس از رسیدگی به مطالبات و قبل از فروش دارایی ورشکسته، طلب کاران می توانند با ورشکسته قرار بگذارند که از ادامه تصفیه صرف نظر می کنند، با این شرط که با تخفیفی که برایش قائل می شوند در مدت های مشخص شده میان طرفین آنها را پرداخت کند. در این قرار که قرارداد ارفاقی نام دارد، طلب کاران قبول می کنند از مقداری از طلب خود بگذرند و می پذیرند که طلب آنها جزئاً یا کلاً در زمانی معین و معمولاً به صورت اقساط پرداخت شود. (اسکینی، ۱۴۰۲: ۱۸۷-۱۸۸)

۳. ماده ۴۹۱ قانون تجارت: «همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد ... ماموریت مدیر تصفیه ختم می شود. ...»

۴. یکی از نتایج قرارداد ارفاقی این است که به منع مداخله ورشکسته در اموالش، که یکی از آثار صدور حکم ورشکستگی است، پایان می دهد و ورشکسته تمام اختیارات خود را نسبت به این اموال مجدداً به دست می آورد. (اسکینی، ۱۴۰۲: ۱۹۷)

بعد مهم دیگر، به انتخاب نرخ اعلامی بانک مرکزی به عنوان معیار بازمی‌گردد؛ معیاری که رأی وحدت رویه مورد بحث، آن را به عنوان مبنایی برای تبدیل مطالبات ارزی به ریال برگزیده است. این انتخاب از یک سو بر بنیان حقوقی مستحکمی تکیه دارد، زیرا مطابق ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،^۱ بانک مرکزی تنها مرجع صلاحیت‌دار برای مدیریت و نظارت بر بازار ارز در کشور است و تبعیت از نرخ این نهاد، وحدت رویه را در فرآیندهای دادرسی تضمین می‌کند.^۲ بدین ترتیب، دستگاه قضایی با اتکا به یک مرجع واحد، از بروز اختلاف ناشی از تعدد نرخ‌ها و استناد به منابع غیررسمی جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، این معیار دارای توجیه اقتصادی نیز هست؛ چرا که انتخاب یک نرخ رسمی و با مبنای واحد، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری بیشتری را برای طرفین دعوا ایجاد می‌کند و مانع از ورود متغیرهای پرنوسان بازار آزاد به محاسبات قضایی می‌شود. با این حال، باید اذعان داشت که نرخهای اعلامی بانک مرکزی در مقاطع مختلف، بویژه در شرایط ناپایداری اقتصادی، ممکن است فاصله‌ای محسوس با نرخهای

۱. ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «الف- ... بانک مرکزی موظف است بازار ارز را به گونه ای مدیریت کند که ضمن حفظ ارزش حقیقی پول ملی، نوسانات نرخ ارز، کاهش یابد. بانک مرکزی می تواند برای تحقق سیاست های ارزی خود، در بازار ارز مداخله و اقدام به خرید یا فروش ارز یا اوراق مالی مبتنی بر ارز نماید. هرگونه خرید و فروش ارز، طلا و اوراق مالی مبتنی بر آنها توسط بانک مرکزی باید به نرخ بازار مورد تایید بانک مرکزی یا در فاصله ای مشخص از آن که توسط هیئت عالی تعیین می شود، انجام گیرد.»

۲. برای مشاهده نمونه دیگری که نرخ ارز اعلامی از سوی بانک مرکزی ملاک است، به ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مراجعه شود.

واقعی بازار داشته باشند. این فاصله، در عمل می‌تواند موجب شود که ارزش واقعی طلب بستان کاران، علی‌رغم رعایت مبنای رسمی، به‌طور کامل جبران نشود. پر واضح است که قلمرو اجرایی این رأی، به موجب منطوق و مفاد آن، صرفاً محدود به سازوکار تصفیه است. به بیان دیگر، این رأی، ناظر به وضعیت خاص ورشکستگی است. از این رو، این رأی در مقام وضع قاعده‌ای عام و فراگیر برای کلیه دعاوی ارزی صادر نشده است. بدین ترتیب، هرگونه تسری مفاد رأی به روابط حقوقی ارزی که ارتباطی با فرآیند ورشکستگی ندارند، نه تنها فاقد پشتوانه و مستند قانونی است، بلکه خروج از اراده و مقصود واقعی هیأت عمومی دیوان عالی کشور محسوب می‌شود.

مستند به ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری،^۱ آثار اجرایی این رأی به‌طور مستقیم بر عمل کرد مرجع تصفیه و مراجع قضایی حاکم خواهد بود. مرجع تصفیه مکلف است در تاریخ تصدیق مطالبات، معادل ریالی هر مطالبه ارزی را بر مبنای نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی محاسبه کرده و نتیجه را در صورت مجلس تصدیق مطالبات درج کند. همچنین، مراجع قضایی در رسیدگی به اعتراضات مربوط به فهرست طبقه‌بندی مطالبات، باید همین معیار زمانی و نرخی را ملاک عمل قرار دهند.

۴. نقد رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ دیوان عالی کشور

برای نقد رأی، نخست باید به تبیین و بررسی اصل تساوی بستان کاران در فرآیند تصفیه

۱. ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «... رای اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضائی و غیر آن لازم الاتباع است؛ اما نسبت به رای قطعی شده بی اثر است.

پرداخت، چرا که این اصل مبنای مهمی در تحلیل صحت یا سقم این رأی محسوب می‌شود.

واژه «اصل» که ریشه در لغت لاتین «principium» دارد، به معنای آغاز یا منشأ به کار می‌رود.^۱ شناسایی یک هنجار معین به عنوان یک اصل حقوقی، فن منحصر به فرد قانون گذاری است که در آن، نماینده واجد صلاحیت جامعه (قانون گذار یا دادگاه)، طی یک فرآیند آگاهانه به یک هنجار از پیش موجود، که احتمالاً از قبل به طور گسترده مورد قبول بوده، هویت قانونی رسمی می‌بخشد. (خارکش و قنواتی، ۱۴۰۲: ۳) اصول کلی حقوقی بی تردید منبع مادی بسیاری از قواعد حقوقی است، ولی همچون دکترین منبع رسمی حقوق به شمار نمی‌آید، جز آن که باید توجه داشت در حقوق داخلی گاه اصول کلی حقوقی در قانون، عرف یا رویه قضایی انعکاس یافته است. بدیهی است در این صورت، به عنوان قانون، عرف یا رویه قضایی مورد استناد قرار می‌گیرند و منبع رسمی حقوق شمرده می‌شوند، نه به عنوان اصول کلی حقوقی. (دانش پژوه، ۱۳۹۲: ۱۵۹) در زمره اصول کلی حقوقی، از جمله اصول بنیادینی که بر نظام ورشکستگی حاکم است، اصل تساوی بستان کاران در فرآیند تصفیه است؛ اصلی که مواد ۴۱۹ و ۴۲۱ قانون تجارت^۲ و ماده ۲۹ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مبین آن است.

^۱. <https://www.merriam-webster.com>, search principium, last seen at 15/08/2025.

^۲. ماده ۴۱۹ قانون تجارت: «از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.» ماده ۴۲۱ قانون تجارت: «همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجه با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود.»

اصل تساوی بستان کاران برگرفته از عبارت لاتین «*pari passu*» به معنای قرارگرفتن در یک رتبه است. در لغت نامه حقوق عملی انگلستان این اصطلاح حق برابر در پرداخت معنی شده است؛^۱ یعنی همه طلب کاران بدون وثیقه به نسبت طلبشان از اموال بده کار از موقعیت برابری بهره مند خواهند شد. (عالی پناه و گلپایگانی، ۱۳۹۸: ۴) به عبارت دقیق تر، تمامی بستان کاران تحت مقرراتی یکنواخت، در نهایت به نسبت ثابتی بار عدم ملائت شخص ورشکسته را در پرداخت، همه متحمل می شوند. (سلطان احمدی و چمی، ۱۳۹۴: ۲)

رای وحدت رویه شماره ۸۶۱ در خصوص مبنای تسعیر دین ارزی تاجر ورشکسته، اگرچه با هدف تضمین حفظ ارزش واقعی بستان کاران ارزی در برابر نوسانات بازار ارز صادر شده است، با وجود این در چارچوب اصل تساوی بستان کاران در تصفیه، محل بحث است. برای روشن شدن ایراد، می توان یک فرض عملی را مطرح کرد. فرض کنیم تاریخ توقف تاجر ورشکسته ابتدای سال ۱۴۰۳ باشد و فرآیند تصدیق مطالبات ارزی در ابتدای سال بعد انجام شود. در این فاصله، طلبهای ریالی به دلیل منع پرداخت خسارت تأخیر تأدیه،^۲

^۱. <https://uk.practicallaw.thomsonreuters.com>, search *pari passu*, last seen at 15/08/2025.

^۲. رای وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «... بنابراین نظر شعبه سوم مبنی بر این که طلب کاران ورشکسته اعم از این که وثیقه داشته باشند یا نه حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند صحیح به نظر می رسد...» و رای وحدت رویه شماره ۷۸۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۷: «مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۱۹ و ۴۲۱ قانون تجارت و سایر مقررات مربوط، طلب کاران ورشکسته حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام توقف را از ورشکسته ندارند... با توجه به این که مسؤولیت

هیچ افزایشی نمی‌یابد و مبلغ آنها ثابت باقی می‌ماند. در مقابل، طبق قاعده مقرر در رأی مورد بحث، در صورتی که ارزش ریالی ارز افزایش یابد، طلبهای ارزی به نرخ روز بانک مرکزی در زمان تصدیق محاسبه می‌شوند و بنابراین به نسبت دارایی موجود ورشکسته، مبلغی بیشتر به بستان کاران ارزی تعلق می‌گیرد. این امر به طور مستقیم موجب کاهش سهم بستان کاران ریالی از دارایی موجود می‌شود و در نتیجه، اصل تساوی بستان کاران در تقسیم اموال ورشکسته نقض می‌شود. مسأله مشابهی نیز در شرایط کاهش ارزش ریالی ارز اتفاق می‌افتد. اگر ارزش ریالی طلب ارزی در زمان تصدیق کاهش یابد، بستان کاران ارزی متضرر می‌شوند و باز هم اصل تساوی بستان کاران رعایت نمی‌شود، زیرا سهم آنها نسبت به بستان کاران ریالی به صورت نامتناسب کاهش می‌یابد. در هر دو فرض، روشن است که تسعیر مطالبات ارزی در زمان تصدیق، ممکن است نتایجی ایجاد کند که با هدف بنیادین تساوی حقوق بستان کاران ناسازگار باشد.

در پرتو مباحث پیش گفته، استفاده از نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی در زمان تصدیق مطالبات برای ریالی سازی دین ارزی، در عمل می‌تواند نتایجی ایجاد کند که تساوی بستان کاران را مختل سازد. از منظر اقتصادی، تعیین نرخ ریالی در زمان تصدیق مطالبات ارزی باعث می‌شود که بستان کاران ریالی یا ارزی، بسته به جهت نوسان ارز، سهمی نامتناسب از دارایی ورشکسته دریافت کنند. از منظر حقوقی نیز، اولاً باید توجه داشت که این روش نمی‌تواند با هدف بنیادین تصفیه که عبارت است از تقسیم عادلانه دارایی مطابق سهم هر طلب کار، کاملاً همخوان باشد و ثانیاً رأی وحدت رویه ۸۶۱ دیوان عالی کشور، با برخی از آراء وحدت رویه پیشین این مرجع نیز در تعارض به نظر می‌رسد.

ضامن در هر حال نمی‌تواند بیش از میزان مسؤولیت مضمون‌عنه باشد، خسارت تأخیر تأدیه فوق‌الذکر از ضامن تاجر ورشکسته نیز قابل مطالبه نیست. ...»

بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ دیوان عالی کشور، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نسبت به تاجر ورشکسته از تاریخ توقف منتفی می‌شود و در رأی وحدت رویه شماره ۷۸۸ دیوان عالی کشور نیز همین حکم نسبت به ضامن تاجر تسری یافته است. مبنای این آراء، نفی هرگونه افزایش دین ریالی پس از تاریخ توقف در قالب خسارت تأخیر مبتنی بر شاخص رسمی تورم است. با این حال، در رأی ۸۶۱ دیوان عالی کشور، دیون ارزی از این قاعده مستثنی شده و این مرجع با پذیرش تسعیر در زمان تصدیق مطالبات، عملاً آثار افزایش نرخ ارز را تا زمان تصدیق معتبر دانسته است. این امر محل اشکال است؛ زیرا از حیث اقتصادی، رشد نرخ ارز در بسیاری موارد نه تنها هم‌سنگ با نرخ تورم بلکه گاه فراتر از آن بوده است. بنابراین پرسش بنیادین آن است که چرا در دیون ریالی، افزایش ناشی از تورم از تاریخ توقف مسلوب‌الاثرا تلقی می‌شود، اما در دیون ارزی که ماهیتاً تابعی از همان تورم (و حتی شدیدتر از آن) است، چنین محدودیتی پذیرفته نشده و بر خلاف مبنای آراء سابق، تسعیر به زمان تصدیق حواله شده است.

با لحاظ این مبنا، بهترین رویکرد علمی و حقوقی، تعیین نرخ ریالی مطالبات ارزی بر اساس تاریخ توقف ورشکسته است. چنین رویکردی، طلب‌ها را در آن تاریخ منجمد می‌کند و از تأثیر نوسانات بازار ارز بر سهم نسبی هر طلب‌کار جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، تسعیر در تاریخ توقف، هم منطق اقتصادی دارد و هم مطابق با فلسفه حقوقی تصفیه است، چرا که هیچ طلب‌کاری به دلیل نوسانات ارزش ارز متضرر یا منتفع نمی‌شود و عدالت نسبی در فرآیند تقسیم دارایی ورشکسته تضمین می‌شود.

یکی از چالش‌های اجرایی که در مقام عمل ممکن است بروز کند، تعدد نرخ‌های رسمی ارز در یک روز معین است. در مواردی که بانک مرکزی بیش از یک نرخ را در یک روز اعلام می‌کند، تفسیر دقیق عبارت «نرخ روز اعلامی» اهمیت مضاعفی می‌یابد. در چنین وضعیتی، ارجاع به نرخ اعلامی بانک مرکزی در همان تاریخ، امری بدیهی اما نیازمند دقت

است تا از برداشتهای متعارض جلوگیری شود. به عنوان راه کار، پیشنهاد می شود در صورت تعدد اعلامهای نرخ در یک روز، آخرین نرخ رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی در آن روز به عنوان ملاک محاسبه انتخاب شود تا هم وحدت رویه حفظ شود و هم ابهامهای احتمالی برطرف شود.



نتیجه‌گیری

رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص مبنای تسعیر مطالبات ارزی بستان‌کاران ورشکسته، نقطه عطفی در حل یکی از مناقشات مهم در نظام حقوق ورشکستگی ایران به شمار می‌آید. تأکید بر تسعیر بر مبنای نرخ روز اعلامی بانک مرکزی در زمان تصدیق مطالبات، پاسخی به اختلافات پیشین می‌دهد، اما بررسی تحلیلی در مقاله حاضر نشان داد که رأی مزبور هر چند واجد مزایای معینی در جهت ایجاد وحدت رویه قضایی است، اما این رأی از حیث مبانی نظری و آثار عملی با چالشهایی جدی مواجه است.

این رأی اگرچه با هدف صیانت از ارزش واقعی مطالبات ارزی صادر شده است، اما در عمل با اصل بنیادین تساوی بستان‌کاران در تصفیه سازگار نیست؛ زیرا ملاک قرار دادن نرخ ارز در زمان تصدیق مطالبات، بویژه در شرایط نوسانات ارزی، می‌تواند سهم بستان‌کاران ربالی و ارزی را به‌طور نامتناسب دست‌خوش تغییر کند و موجب اختلال در عدالت نسبی تقسیم دارایی شود. در مقابل، ملاک قرار دادن تاریخ توقف ورشکسته به‌عنوان زمان تسعیر، ضمن تثبیت بدهیها در نقطه آغازین ورشکستگی، از بروز چنین نابرابری‌هایی جلوگیری کرده و با مبانی فرایند تصفیه و عدالت اقتصادی سازگارتر است. در نهایت، رأی وحدت رویه ۸۶۱ دیوان عالی کشور، اگرچه گامی مهم در جهت ایجاد وحدت رویه قضایی بوده است، اما برای تحقق عدالت ماهوی و حمایت برابر از بستان‌کاران، ضروری بود که معیار تسعیر مطالبات ارزی به‌گونه‌ای تعیین شود که نوسانات ارز تأثیری بر سهم نسبی هر طلب‌کار نگذارد و اصل تساوی بستان‌کاران در تقسیم دارایی حفظ شود. به‌طور کلی، تضمین تساوی حقوقی بستان‌کاران و حفظ ارزش واقعی مطالبات ارزی، شاخصهایی است که باید در هر اصلاح یا بازنگری آتی قوانین و مقررات ورشکستگی مدنظر قرار گیرد و این امر می‌تواند راهگشای عدالت در فرایند تصفیه باشند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اسکینی، ربیعا (۱۴۰۲)، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ بیست و نهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۲. عالی‌پناه، علیرضا؛ گلپایگانی، نرگس (۱۳۹۸)، «اصل تساوی بستان کاران در تصفیه شرکت‌های تجاری، در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۶.
۳. خارکش، فاطمه؛ قنواتی، جلیل (۱۴۰۲)، «بررسی تحول اصل عدالت در حقوق قراردادها در پرتو تحول ادبیات اقتصادی؛ از مکتب کلاسیک تا مکتب رفتاری»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، شماره ۱.
۴. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق با روی کرد به حقوق ایران و اسلام، چاپ نهم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: قم و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت): تهران.
۵. صفایی، سیدحسین (۱۴۰۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی‌ام، تهران: میزان.
۶. سلطان احمدی، جلال؛ چمی، سمیرا (۱۳۹۴)، «بررسی اصل تساوی طلب کاران تاجر ورشکسته»، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران، ص. ۱۰-۱.
۷. مشکینی، علی (۱۳۸۶)، اصطلاحات الأصول، جلد اول، چاپ پنجم، قم: هادی.
۸. توکلی، محمد مهدی (۱۴۰۲)، آموزش جامع حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: مکتوب آخر.
۹. توکلی، محمد مهدی (۱۴۰۴)، آموزش جامع آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ بیست و هشتم، تهران: مکتوب آخر.
۱۰. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی.
۱۱. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی.

۱۲. قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۰۸/۰۱ مجلس شورای ملی.
۱۳. قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۰۴/۲۴ مجلس شورای ملی.
۱۴. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات.
۱۵. قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۳۰ مجلس شورای اسلامی.
۱۶. مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته مصوب ۱۳۱۱/۰۳/۱۶.

منابع غیرفارسی

17. Merriam-Webster, <<https://www.merriam-webster.com>>, last seen at 15/08/2025.
18. Practical Law UK, <<https://uk.practicallaw.thomsonreuters.com>>, last seen at 15/08/2025.

